

مقاله پژوهشی

روند شکل‌گیری کانون‌های عشایری و سنجش میزان استقبال و رضایت‌مندی کوچندگان مطالعه تطبیقی ناحیه کوه‌رنگ (چهارم‌حال و بختیاری)

سیاوش مولایی‌بارده^۱، عباس سعیدی*^۲، بیژن رحمانی^۳

۱. دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

۲. استاد گروه جغرافیا، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

۳. دانشیار گروه جغرافیا، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

(دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۱۰ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۲۱)

The Formation Process of Nomadic Centers and Measuring the Acceptance and Satisfaction of Nomads Comparative Study of Kohrang District (Chaharmahal and Bakhtiari)

Siavash Molaie Pardeh¹, Abbas Saidi^{2*}, Bijan Rahmani³

1. Ph.D. Student in Geography and Rural Planning, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

2. Professor, Department of Geography, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

3. Associate Professor, Department of Geography, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

(Received: 01/Aug/2021

Accepted: 12/Sep/2022)

Abstract

The nomadic lifestyle as the first social system of human society is accompanied by more difficulties than the rural and urban systems. Various strategies have been proposed by related planners and specialists in order to improve the quality of this way of life. One of the most important strategies is settlement of nomads. For this purpose, numerous nomadic centers (guidance and supportive) with different processes have been established for the settlement of volunteer nomads. According to the formation process of nomadic centers, the degree of acceptance and satisfaction of nomads from these centers is different. The purpose of the current research is to compare the formation process of nomadic centers and measure the acceptance and satisfaction of nomads in Kohrang area (Chaharmahal and Bakhtiari). This research is descriptive-analytical and the data collection method is documentary and field with a survey approach. The statistical population of the research includes settled nomadic households in the nomadic settlement centers of Kohrang district. The results show that the participation of the nomads in the implementation of the nomad settlement plan was more in the supportive centers than in the guidance centers. In terms of satisfaction, according to the results of one-sample T test, the level of satisfaction and acceptance of the nomads from the supportive centers (3.95) has been evaluated more than the guidance centers (3.26).

Keywords: Settlement of Nomads, Guidance Centers, Support Centers, Kohrang Area.

چکیده

زندگی عشایری و شیوه کوچ‌نشینی به عنوان اولین نظام اجتماعی جامعه بشری به مراتب، نسبت به دو نظام روستائینی و شهرنشینی با دشواری بیشتری همراه است. بنابراین از سوی برنامه‌ریزان و متخصصان مربوطه، راهبردهای گوناگونی به منظور ارتقای کیفیت این شیوه از زندگی ارائه شده که یکی از مهم‌ترین این راهبردها، اسکان عشایر است. در راستای این راهبرد، کانون‌های عشایری (هدایتی و حمایتی) متعددی با روندهای متفاوتی جهت اسکان عشایر داوطلب در سراسر نقاط عشایری ایجاد شده است. با توجه به روند شکل‌گیری کانون‌های عشایری، میزان استقبال و رضایت‌مندی کوچندگان از این کانون‌ها متفاوت است. از این‌رو هدف از پژوهش حاضر مطالعه تطبیقی روند شکل‌گیری کانون‌های عشایری و سنجش میزان استقبال و رضایت‌مندی کوچندگان ناحیه کوه‌رنگ (چهارم‌حال و بختیاری) است. روش‌شناسی تحقیق، توصیفی-تحلیلی و روش گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای و میدانی با رویکرد پیمایشی است و جامعه آماری تحقیق شامل خانوارهای اسکان‌یافته عشایری در کانون‌های اسکان عشایر ناحیه کوه‌رنگ است. نتایج نشان می‌دهد که میزان مشارکت کوچندگان در اجرای طرح اسکان عشایر، در کانون‌های حمایتی بیشتر از کانون‌های هدایتی بوده و در بحث رضایت‌مندی نیز با توجه به نتایج آزمون تی-تک نمونه‌ای، میزان رضایت‌مندی و استقبال کوچندگان از کانون‌های حمایتی (۳/۹۵) بیشتر از کانون‌های هدایتی (۳/۲۶) ارزیابی شده است.

واژه‌های کلیدی: اسکان عشایر، کانون‌های هدایتی، کانون‌های حمایتی، ناحیه کوه‌رنگ.

مقدمه

روش زیست مبتنی بر کوچ (کوچندگی)، از نخستین اشکال حیات اجتماعی است که از اولین دوران شکل‌گیری زندگی اجتماعی انسان‌ها تاکنون تداوم داشته است (سازمان امور عشایر ایران، ۱۳۸۹: ۵۵). ایران با میانگین بارندگی سالانه کمتر از ۲۵۰ میلی متر در حدود میانگین بارندگی دنیا جزء مناطق خشک و نیمه خشک محسوب می‌شود و به همین جهت زندگی عشایری با جابه‌جایی از بیلاق به قشلاق و بالعکس و کوچ به عنوان تکنیک سازگار با تغییرات اقلیمی و بهره‌برداری از منابع طبیعی از عوامل اصلی پیدایش و تکوین زندگی کوچندگی است که قدمتی چندین هزارساله در این مرز و بوم دارد (سازمان امور عشایر ایران، ۱۳۹۳: الف). امروزه عوامل متعددی روند زندگی کوچ‌نشینی در ایران را به چالش کشانیده است. فروپاشی ساختار و نظام‌های ایلی در دهه‌های اخیر که خود ناشی از علل اجتماعی و سیاسی متعددی بوده، تخریب و کاهش روزافزون مراتع در سطح کشور هم از حیث کمیت و کیفیت، عدم برخورداری کودکان و جوانان عشایر از مزایای آموزش و پرورش مناسب به دلیل ماهیت زندگی متحرک، فقدان برخورداری از امکانات بهداشتی و درمانی، تجاوز جامعه شهرنشین و روستانشین به ایراه‌ها و مسیرهای کوچ سنتی عشایر و در تنگنا قرار گرفتن ایشان به هنگام کوچ، آسیب‌پذیری شیوه زندگی کوچ‌نشینی در مقابل حوادث و مخاطرات طبیعی همچون خشکسالی، سیل، مقرر به صرفه نبودن شیوه دامداری به روش سنتی و مبتنی بر کوچ و عدم علاقه جوانان عشایر به ادامه زندگی کوچ‌نشینی از مهم‌ترین عواملی است که امروزه جامعه عشایر کشور را در دوراهی کوچ و یا اسکان قرار داده است (حیاتی، ۱۳۸۵: ۶۹). در این راستا، یکی از برنامه‌های دولت و سازمان امور عشایر ایران، اجرای طرح توسعه جامع عشایر بوده که زمینه‌ساز ساماندهی و اسکان را برای عشایر داوطلب فراهم کرده است. در قالب این طرح کانون‌های عشایری متعددی جهت اسکان داوطلبانه عشایر در سرتاسر نقاط عشایری کشور ایجاد شده است (سازمان امور عشایر ایران، ۱۳۹۲: ۴۹). این کانون‌ها به عنوان یکی از واحدهای برنامه‌ریزی برای ساماندهی عشایر به دو نوع شامل کانون‌های توسعه‌دهی (برنامه‌ریزی شده) و کانون‌های توسعه اسکان حمایتی (خودجوش) تقسیم می‌شوند (سازمان امور عشایر ایران، ۱۳۹۳: ۳). در راستای سیاست اسکان عشایر ۱۳ کانون عشایری (هدایتی و حمایتی) با روندهای متفاوت در ناحیه کوه‌رنگ ایجاد شده است. در کانون‌های هدایتی ناحیه، قبل از

اسکان، مطالعات کارشناسانه‌ای در سطوح مختلف جامع، نیمه تفصیلی و تفصیلی انجام گرفته و در واقع این کانون‌ها از همان ابتدا با نظارت و حمایت کامل دستگاه‌های دولتی همراه بوده است. از این‌رو، این کانون‌ها نسبت به کانون‌های حمایتی امکانات و خدمات بیشتر و متنوع‌تری دارند. این در حالی است که کانون‌های هدایتی نسبت به کانون‌های حمایتی که فاقد انجام مطالعات کارشناسی قبل از اسکان هستند، کمتر مورد استقبال و پذیرش کوچندگان می‌باشند. از آنجایی که ناحیه کوه‌رنگ بیشترین کانون‌های اسکان عشایری، پنج کانون هدایتی و هشت کانون حمایتی در سطح استان دارد و به عنوان قطب عشایری استان شناخته می‌شود. پرداختن به چگونگی روند شکل‌گیری هر یک از این کانون‌ها (هدایتی و حمایتی) و شناسایی عوامل مؤثر در میزان موفقیت نسبی آن‌ها حائز اهمیت است. سعیدی و دیگران (۱۳۷۷) در مطالعه‌ای به ساماندهی روستاهای پراکنده در بخش‌های بهمئی و لنده استان کهگیلویه و بویراحمد پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد که منطقه از توان‌های طبیعی اندک برای سکونت‌پذیری برخوردار است. اسکان عشایر موجب استقرار بسیاری از سکونتگاه‌ها و روستاها در عرصه‌های خطر خیز و در معرض سیل، زلزله، لغزش شده است. ابری (۱۳۷۳) در پژوهشی تحت عنوان مروری بر منطقه کوه‌رنگ در رابطه با اسکان عشایر، به این نتیجه رسیده است که منطقه دارای توان‌های محیطی اس اما اسکان عشایر با شکست مواجه خواهد شد.

نوروزی و محمودیان (۱۳۹۴) در مطالعه‌ای به بررسی تطبیقی شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی عشایر اسکان‌یافته و اسکان‌نیافته شهرستان کوه‌رنگ پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد که از لحاظ مجموع شاخص‌های اقتصادی، تفاوت قابل ملاحظه‌ای بین دو گروه اسکان‌یافته و اسکان‌نیافته وجود ندارد اما از لحاظ شاخص‌های اجتماعی وضعیت اسکان‌یافتگان بهتر از اسکان‌نیافتگان است.

کریمی و دریکوند (۱۳۹۵) در پژوهشی اثرات اقتصادی- اجتماعی اسکان عشایر بر خانوارهای اسکان‌یافته در استان لرستان را مورد بررسی قرار دادند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که اسکان عشایر بر نرخ باسوادی، میزان زمین‌های زراعی، تعداد واحدهای دامی، نوع شغل، سطح برخورداری از امکانات فرهنگی- اجتماعی، بهداشتی- درمانی، رفاهی و خدمات بیمه‌ای خانوارهای عشایر اسکان‌یافته تأثیر مثبت و بر وضعیت اشتغال و میزان درآمد آن‌ها تأثیر منفی داشته است. واسا (۲۰۰۱) در مطالعه‌ای به تجربه اسکان در نیجریه و اتیوپی

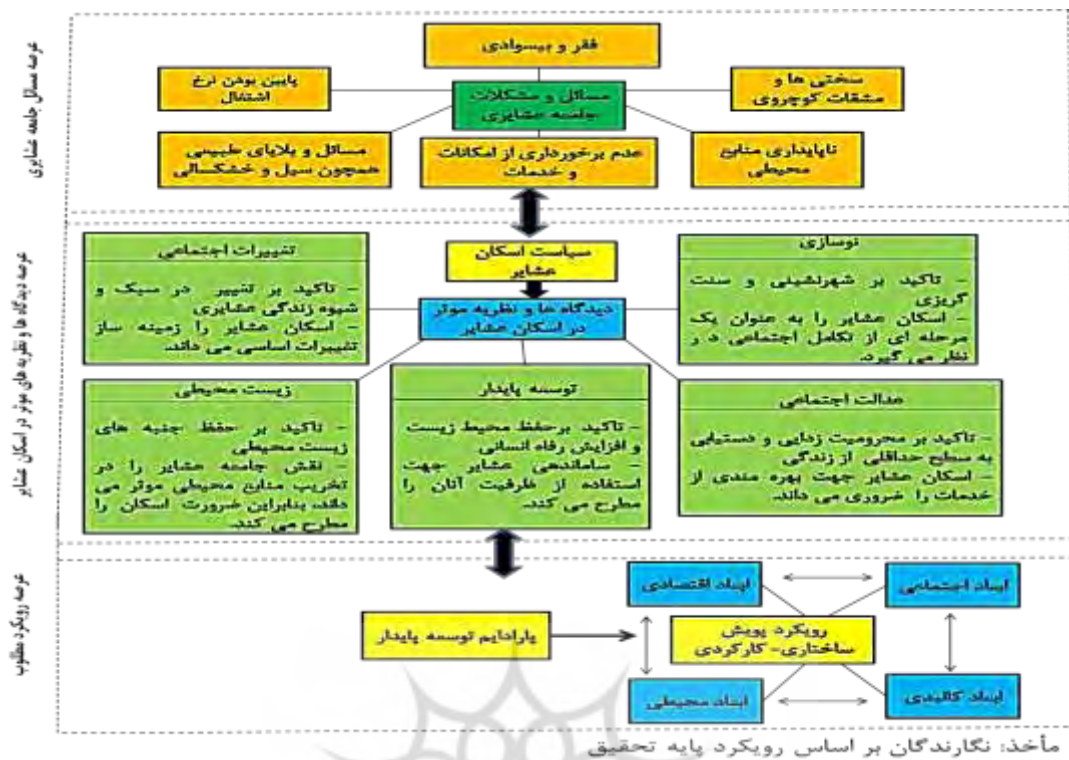
زمان در اسکان عشایر مؤثر بوده است. در این میان، آنچه بیش از همه بر اسکان عشایر کشور تأثیرگذار بوده دیدگاه نوسازی است (دفتر مطالعات جامع عشایر و رضایی، ۱۳۹۱: ۱۲). بررسی تجارب پروژه‌های اسکان، حاکی از آن است که علی‌رغم برخورداری محدود در زمینه برخی از امکانات و تسهیلات و بهبود نسبی وضعیت رفاهی عشایر اسکان‌یافته، پیامدهای منفی قابل تأملی در ابعاد مختلف فضایی بروز نموده است (توکلی، ۱۳۸۳: ۴۳۸). از این‌رو، رویکرد پویای ساختاری - کارکردی (سعیدی، ۱۳۹۱) که ساختارها و کارکردها در فضایی جغرافیایی را بررسی می‌کند، به عنوان رویکرد نظری تحقیق در نظر گرفته شده است. پویای ساختاری - کارکردی، با نگرشی متفاوت و در قالب مطالعه نظام‌های فضایی، بر نوعی پیوستگی نظام‌وار و یکپارچه در عرصه‌های ساختاری - کارکردی و افزون بر این، بر اثربخشی هم‌افزایی (سینرژیک) نیروهای درونی و بیرونی نظام‌های فضایی تأکید می‌ورزد (سعیدی و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۱-۱۰). فرض اساسی نظریه پویای ساختاری - کارکردی بر دو نکته بنیادین استوار است؛ نخست اینکه تغییر چهره فضا یا چشم‌انداز امری اجتناب‌ناپذیر است و دیگری اینکه، هر ساختاری کارکرد خاص خود را می‌طلبد. به سخن دیگر، هر ساختاری، کارکردهای معین و متناسب با خود را امکان‌پذیر می‌سازد و نمی‌توان هر کارکردی را از هر ساختاری انتظار داشت (سعیدی، ۱۳۷۷: ۶ و ۱۵). این رویکرد بر این واقعیت استوار است که میان اجزای ساختاری و کارکردی تمام پدیده‌های جغرافیایی، «نظام‌های فضایی» همچون شهرها، روستاها، مناطق و نواحی نوعی پیوند تنگاتنگ و غیر قابل انکار، هم به لحاظ عمودی و هم به لحاظ افقی، برقرار است که مجموعه حاصل از آن، قابلیت‌های آن نظام را نمایندگی و تحقق‌پذیر می‌سازد. در این چارچوب، ساختارهای کالبدی، اعم از ساخت‌های طبیعی یا انسان‌ساخت، در ارتباطی تنگاتنگ با ساختارهای اجتماعی - اقتصادی قرار می‌گیرند. آشکار است که هر دو این جنبه‌ها، خود به عنوان نظام‌های فرعی نظام اصلی فضایی عمل می‌کنند. به همین ترتیب، تمام نظام‌های فرعی هم، اعم از نظام‌ها و اجزای فرعی ساختاری و نیز کارکردی، پیوسته در تعامل و ارتباط متقابل عمل می‌کنند (سعیدی، ۱۳۹۱: ۱۲-۱۱). با عنایت به مباحث مطرح شده در زمینه اسکان و بنیان‌های نظری آن چارچوب نظری تحقیق به صورت زیر ترسیم می‌شود.

پرداخته است. نتیجه این مطالعه نشان می‌دهد که اسکان باعث ایجاد تفاوت و شکاف در شیوه‌های تربیتی و سنتی و بی‌ارزش نگاشتن فرهنگ بومی شده است و در نتیجه تداوم کوچ را پیشنهاد می‌کند. لارسن و دیگران (۲۰۰۳) در مطالعه دیگر تجربه اسکان عشایر در کنیا را مورد بحث و بررسی قرار داده‌اند و به این نتیجه رسیدند که در زمان وقوع خشکسالی، سوء تغذیه کودکان اسکان‌یافته تقریباً سه برابر بیش از کودکان عشایری و کوچنده است و اسکان، تجربه موفقی نبوده است.

آگیا (۲۰۱۰) در پژوهشی اثرات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی استقرار مجدد بر مردم باکاسی نیجریه را مورد بررسی قرار داده است. نتایج نشان می‌دهد که میزان اثرات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بسیار زیاد بوده است. در این مناطق سیستم‌های کشاورزی تخریب شده و شبکه حمایت‌های اجتماعی برچیده شده است و در نتیجه خانواده‌های کوچک و متوسط بیشترین آسیب را دیده‌اند.

اسکان عشایر، فرایندی است که طی آن شیوه معیشت جامعه کوچ‌رو تغییر و تحول می‌یابد؛ این تحول هرچند به صورت ظاهری با ترک کوچ‌روی و یکجانشینی در مسکن ثابت شناخته می‌شود، در بطن خویش ناظر بر تغییرات اساسی در مبانی فرهنگی، اجتماعی - اقتصادی و زیستی زندگی عشایر است (ریاحی و دیگران، ۱۳۹۲: ۹۷).

بحث اسکان عشایر از زمان پهلوی اول به دلایل سیاسی و امنیتی و در دوران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به دلیل خدمات‌رسانی و بالابردن سطح زندگی عشایر مطرح بوده است (دفتر مطالعات جامع عشایر و رضایی، ۱۳۹۱: ۱۱). اسکان عشایر از سال ۱۳۷۱ صورتی جدی‌تر به خود گرفته است. به طوری که از برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۳۷۴-۱۳۷۸) با ورود در برنامه‌های کشور دارای هدف، سیاست و برنامه‌های اجرایی شده است. در همین راستا، ۲۰ هزار خانوار در کانون‌های هدایتی، اسکان پیدا کردند و از آن زمان تا کنون، سیاست اسکان عشایر به عنوان مهم‌ترین سیاست ساماندهی عشایر است (سازمان امور عشایر ایران، ۱۳۸۹: ۱۷). در زمینه اسکان عشایر دیدگاه‌ها و نظریات مختلفی مانند: دیدگاه تغییرات اجتماعی، دیدگاه نوسازی، دیدگاه تأمین نیازهای اساسی، دیدگاه زیست‌محیطی و دیدگاه توسعه پایدار وجود دارد. هر کدام از این دیدگاه‌ها در برهه‌ای از



شکل ۱. چارچوب نظری تحقیق

است. با عنایت به موضوع و هدف پژوهش، علاوه بر مشاهده مستقیم و انجام مصاحبه، در بخش کمی نیز پرسشنامه‌ای حاوی ۱۰ گویه که به نوعی بیان‌کننده استقبال و رضایتمندی کوچندگان در هریک از کانون‌هاست تهیه و بین سرپرست خانوارها توزیع شد. جامعه آماری این پژوهش شامل خانوارهای اسکان‌یافته عشایری در کانون‌های اسکان عشایر ناحیه کوه‌رنگ است که در سه بخش (مرکزی، دوآب صمصامی و بازفت) و در قالب ۱۳ کانون اسکان یافته‌اند. از این‌رو، با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای بر اساس نوع کانون، موقعیت جغرافیایی و تعداد خانوار، ۸ کانون با جمعیت (۸۹۴ خانوار) به عنوان نمونه انتخاب شد. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران، ۲۶۹ نمونه به دست آمده است که برای اطمینان بیشتر و دستیابی به نتایج بهتر، ۳۰۰ پرسشنامه تهیه و متناسب با جمعیت هریک از کانون‌ها در بین سرپرست خانوارها توزیع شده است. جهت امتیازدهی و ارزش‌گذاری کمی سوالات پرسشنامه، از طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت استفاده شده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها در نرم افزار SPSS از آزمون تی-تک نمونه‌ای استفاده شده است. ناحیه کوه‌رنگ

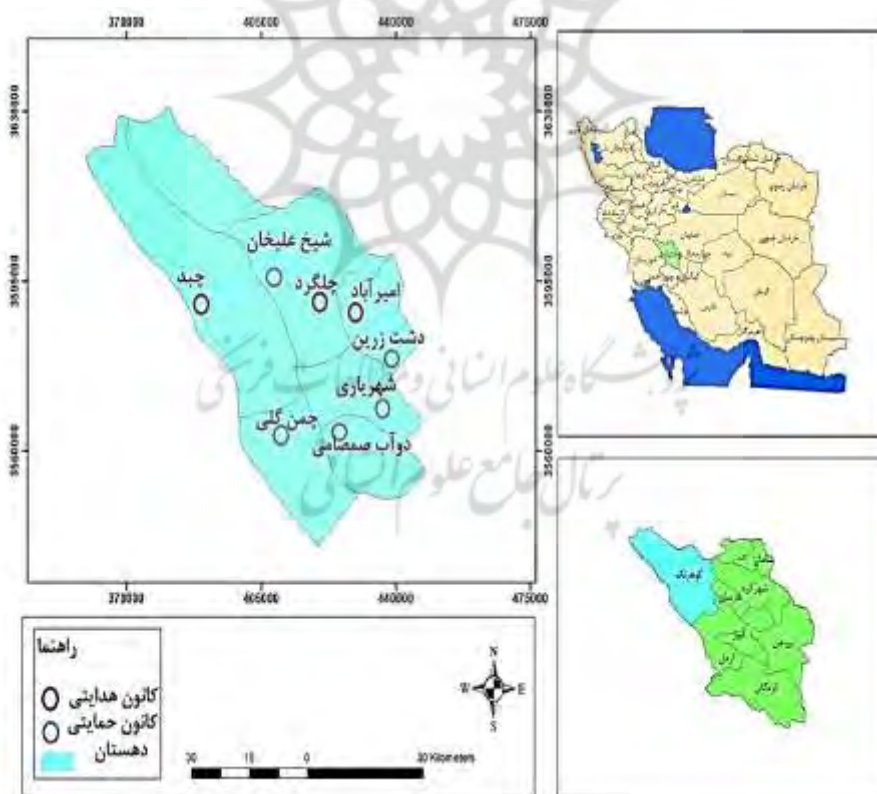
پژوهش حاضر در صدد پاسخ به این پرسش می‌باشد: روند شکل‌گیری کانون‌های عشایری ناحیه کوه‌رنگ چه تفاوت‌هایی با یکدیگر داشته‌اند و کدام نوع از این کانون‌ها بیشتر مورد رضایت و استقبال کوچندگان است؟ از این‌رو، هدف از انجام این پژوهش مطالعه تطبیقی روند شکل‌گیری کانون‌های عشایری (هدایتی و حمایتی) و سنجش میزان رضایتمندی و استقبال کوچندگان ناحیه کوه‌رنگ است تا ضمن نمایان شدن تفاوت‌ها، موفقیت نسبی هر یک از این کانون‌ها نیز مشخص شود.

داده‌ها و روش کار

پژوهش حاضر از نوع مطالعات کاربردی و روش آن توصیفی-تحلیلی است که به منظور پیشبرد آن از دو روش اسنادی و پیمایشی بهره گرفته شده است. در روش اسنادی به مطالعه و بررسی کتب، بانک‌های اطلاعاتی، گزارش‌های دولتی و طرح‌های پژوهشی و دیگر اسناد مرتبط با موضوع پژوهش پرداخته شده و در روش پیمایشی، از تکنیک‌هایی مانند مشاهده مستقیم، مصاحبه و تکمیل پرسشنامه استفاده شده

دوآب و شهریار) تشکیل شده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵: ۴۸). مساحت ناحیه ۳۷۹۵۷/۷ کیلومتر مربع است که ۲۳/۱ درصد مساحت استان را شامل می‌شود. بیشترین جمعیت عشایری بیلاقی استان در این ناحیه با ۲۳۳۰۱ نفر (۶۷۷۰ خانوار) قرار دارد (سازمان امور عشایر استان چهارمحال و بختیاری، ۱۳۹۰: ۵۶). ۲۸۳۳۰۰ هکتار، معادل ۲۵/۹ درصد کل مراتع استان در این ناحیه واقع شده است و از این لحاظ در بین نواحی استان در رتبه اول قرار دارد (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان چهارمحال و بختیاری، ۱۳۹۴: ۲۴۹). بر اساس اطلاعات مربوط به برنامه راهبردی عشایر استان چهارمحال و بختیاری، ناحیه کوه‌رنگ دارای بیشترین روستاهای اسکان عشایری در سطح استان می‌باشد که از مجموع ۳۶ کانون اسکان عشایری استان، ۱۳ کانون (۵ کانون هدایتی و ۸ کانون حمایتی) با جمعیتی برابر ۱۱۱۰ خانوار، در این ناحیه ایجاد شده است (سازمان امور عشایر چهارمحال و بختیاری، ۱۳۹۰: ۶۷-۶۶).

یکی از نواحی نه‌گانه استان چهارمحال و بختیاری است که در ۲۹ دقیقه و ۴۹ درجه تا ۲۶ دقیقه و ۵۰ درجه طول شرقی و ۵۹ دقیقه و ۳۱ درجه تا ۳۹ دقیقه و ۳۲ درجه عرض شمالی و در ارتفاع ۲۲۸۵ متری از سطح دریا واقع شده است. این ناحیه از شمال به استان‌های اصفهان و لرستان، از جنوب به شهرستان فارس، از غرب به استان خوزستان و از شرق به استان اصفهان محدود می‌شود. مرکز ناحیه کوه‌رنگ شهر چلگرد است که در فاصله ۸۵ کیلومتری شمال غربی شهرکرد قرار دارد. جمعیت این ناحیه طبق آخرین سرشماری نفوس و مسکن در سال (۱۳۹۵) ۴۱۵۳۵ نفر است که ۵۷۱۱ نفر، معادل ۱۳/۷۴ درصد از این جمعیت در نقاط شهری و ۳۵۸۲۴ نفر، معادل ۸۶/۲۴ درصد در نقاط روستایی و عشایری زندگی می‌کنند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵: ۱۱۱). از لحاظ تقسیمات سیاسی این ناحیه از ۳ شهر (چلگرد، بازفت و صمصامی)، ۳ بخش (مرکزی، بازفت و دوآب صمصامی) و ۷ دهستان (شوراب تنگزی، دشت‌زرین، میانکو موگویی، بازفت بالا و بازفت پایین،



شکل ۲. موقعیت جغرافیایی ناحیه و کانون‌های نمونه

شرح و تفسیر نتایج

با توجه به مباحث مطرح شده در مقدمه، از آغاز برنامه دوم توسعه (۱۳۷۸-۱۳۷۴) تاکنون، سیاست اسکان عشایر به عنوان راهبردی جهت توسعه جامعه عشایری باعث ایجاد کانون‌های متعدد هدایتی و حمایتی در سطح ناحیه کوه‌رنگ شده است. از این‌رو، ابتدا لازم است روند شکل‌گیری هریک از این کانون‌ها بررسی و سپس میزان رضایت‌مندی کوچندگان از آن‌ها مورد سنجش قرار گیرد.

روند شکل‌گیری کانون‌های توسعه هدایتی

بحث اسکان عشایر از سال ۱۳۷۱ با روندهای متفاوت، در قالب کانون‌های اسکان هدایتی و حمایتی تبلور پیدا کرده است. کانون اسکان هدایتی، آبادی و یا نقطه فاقد سکونت دائمی است که براساس مطالعات و بررسی‌های کارشناسی، دارای استعداد مناسب برای سکونت دائم بوده و به منظور اسکان عشایر داوطلب مکان‌یابی شده باشد، به چنین کانون‌هایی، کانون مطالعه‌شده جدید یا نوآباد گفته می‌شود (سازمان امورعشایر چهارمحال و بختیاری، ۱۳۹۰: ۱۵۲). شکل‌گیری این کانون‌ها به گونه‌ای است که سازمان امور عشایر از ابتدا، از مکان‌یابی کانون تا شناسایی خانوارهای متمایل به اسکان، تأمین و تجهیز کانون‌ها، مطالعات اجمالی، نیمه‌تفصیلی و تفصیلی نقش‌گسترده و فعالی دارد و در حقیقت این کانون‌ها با هدایت کامل دستگاه‌های دولتی شکل می‌گیرند (سازمان امور عشایر ایران، ۱۳۹۲: ۱۱). با توجه به اینکه اسکان در این نوع از کانون‌ها از نوع اسکان برنامه‌ریزی شده است، قبل از اسکان، مطالعاتی در سه سطح جامع، نیمه‌تفصیلی و تفصیلی، جهت اسکان عشایر در این کانون‌ها صورت می‌گیرد.

طرح مطالعات کانون‌های توسعه هدایتی

کل مطالعات طرح توسعه کانون‌ها در سه مرحله به شرح زیر صورت می‌پذیرد:

مرحله اول: شناخت جامع هر زیست‌بوم و شناسایی و معرفی کانون‌های مستعد توسعه.

مرحله دوم: مطالعه نیمه‌تفصیلی کانون‌های توسعه شناسایی شده در مرحله اول و شناسایی و معرفی پروژه‌های اجرایی.

مرحله سوم: مطالعه تفصیلی و طراحی پروژه‌های اجرایی کانون‌های توسعه و تهیه نقشه و مشخصات پروژه‌ها (سازمان امور عشایر ایران، ۱۳۷۵: ۸).

اهداف مرحله اول (مطالعات جامع):

- شناخت جامع از ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی خانوارهای عشایری و گروه‌های ایلی زیست‌بوم.
 - شناسایی و معرفی کانون‌های توسعه با استدلال‌های علمی و منطقی با تأکید بر نوع استعدادها.
 - شناخت حقوق عرفی و کلی در هر زیست‌بوم و هر کانون شناسایی شده به تفکیک گروه‌های ایلی.
- اهداف مرحله دوم (مطالعات نیمه‌تفصیلی):

مطالعه نیمه‌تفصیلی اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی، منابع و امکانات و استعدادهای بالقوه و بالفعل هر کانون توسعه و حقوق عرفی و ملکی گروه‌های ایلی مرتبط با تک تک کانون‌ها، به طوری که در پایان این مرحله به سوالات زیر جواب لازم ارائه شود.

- چند خانوار از عشایر زیست‌بوم می‌توانند در هر کانون اسکان یابند و با استفاده از امکانات و استعدادهای بالقوه و بالفعل به نحو مطلوب امرار معاش نمایند؟
- در صورتی که امکانات و پتانسیل‌های کانون پاسخگوی نیازهای معیشتی تمام خانوارهای مرتبط با کانون نباشد چه برنامه‌ای برای خانوارهای باقی مانده پیش‌بینی و ارائه می‌شود؟
- چه پروژه‌هایی برای عینیت بخشیدن به توسعه هر کانون باید اجرا شود؟

- حدود اعتبار مورد نیاز هر پروژه و توجیهات اقتصادی و اجتماعی آن مشخص شود.

- موانع و مشکلات موجود بر سر راه توسعه کانون و اجرای هر پروژه و راه‌حل آن‌ها بیان شود.

اهداف مرحله سوم (مطالعات تفصیلی، کاربردی):

در این مرحله از مطالعات، تک تک پروژه‌ها به طور تفصیلی مطالعه شده و نقشه و مشخصات هر پروژه به تفکیک تهیه شده و بعد از جمع‌بندی مجموعه پروژه‌ها، آمادگی لازم برای شروع عملیات اجرایی پروژه‌های کانون فراهم می‌شود (سازمان امور عشایر ایران، ۱۳۷۵: ۹-۸).

طرح‌های هدایت شده اسکان عشایر در ناحیه کوه‌رنگ از اوایل دهه ۱۳۷۰ با هدف حذف کوچ و سکونت عشایری در یک زیست‌بوم ثابت و به منظور بهبود شرایط زیستی آن‌ها در ابعاد اجتماعی، اقتصادی، بهداشتی و فرهنگی مورد اجرا گذاشته شده است. در همین راستا، پنج کانون توسعه هدایتی در ناحیه یادشده ایجاد شده است (سازمان امور عشایر چهارمحال و بختیاری، ۱۳۹۰: ۶۶). طرح مطالعات مربوط به کانون‌های هدایتی کوه‌رنگ، سال ۱۳۷۲ شروع شده اما عملیات فیزیکی و

بر اساس مصاحبه صورت گرفته با کوچندگان کانون‌های حمایتی ناحیه کوه‌رنگ، سختی‌ها و مشقات کوچ، عدم امنیت، کمبود امکانات و خدمات رفاهی، عدم کفاف درآمد برای هزینه‌های زندگی، سیاست‌ها و برنامه‌های تشویقی دولت و عدم انگیزه جوانان به فعالیت دامداری و زندگی کوچ‌روی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در اسکان حمایتی (خودجوش) عشایر این ناحیه است. روند اسکان حمایتی عشایر ناحیه به گونه‌ای بوده که خانوارهای عشایری بر اساس پیوندهای خانوادگی و ارتباطات قومی و قبیله‌ای، بدون مداخله دولت و انجام هرگونه مطالعه علمی و کارشناسی در خصوص بحث مکان‌یابی کانون‌ها، صرفاً بر اساس دانش تجربی و با در نظر گرفتن حق مالکیت و حس تعلق مکانی، مکان‌هایی را در سامانه‌های عرفی خود به عنوان کانون خودجوش انتخاب و در آنجا اسکان پیدا کرده‌اند. بر عکس کانون‌های هدایتی ناحیه که مکان‌یابی آن‌ها توسط دولت و سازمان امور عشایر صورت گرفته، مکان‌یابی این کانون‌ها توسط خود مردم صورت پذیرفته است. از نظر کوچندگان؛ داشتن حق مالکیت، وجود منابع آبی، خاک حاصلخیز، توپوگرافی مناسب، وجود مراتع غنی، بالا بودن ضریب امنیت و دسترسی به سایر نقاط و سکونتگاه‌ها از مهم‌ترین عوامل مؤثر در مکان‌یابی کانون‌های حمایتی در این ناحیه بوده است. دولت در این کانون‌ها بیشتر نقش خدماتی و حمایتی دارد. از این‌رو این کانون‌ها تحت عنوان کانون‌های حمایتی شناخته می‌شوند.

سنجش و تحلیل میزان استقبال و رضایتمندی کوچندگان از کانون‌های توسعه هدایت

همانگونه که جدول ۱ نشان می‌دهد، میزان رضایتمندی کوچندگان از ده گویه در کانون‌های هدایتی مورد سنجش و ارزیابی قرار گرفته است. نتایج نشان می‌دهد که میزان رضایتمندی در کل کانون‌ها برابر با ۳/۲۶ می‌باشد. در بین کانون‌های مورد مطالعه، بیشترین میزان رضایتمندی به ترتیب مربوط به کانون‌های (چلگرد با میانگین ۳/۴۵، بالاتر از میانگین کل، امیرآباد با میانگین ۳/۱۸ و چید با میانگین ۳/۱۶) می‌باشد. در جدول ۲، میانگین مربوط به هر یک از گویه‌ها در کل کانون‌های هدایتی با استفاده از آزمون تی-تک نمونه‌ای ارزیابی شده است؛ متناسب با این میانگین‌ها، میزان رضایتمندی کوچندگان به تفکیک کانون‌ها مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.

اسکان از سال ۱۳۷۵ در این کانون‌ها آغاز شده است.

نتیجه مصاحبه صورت گرفته با کوچندگان کانون‌های هدایتی ناحیه کوه‌رنگ در ارتباط با روند شکل‌گیری این کانون‌ها، حاکی از رضایتمندی پایین کوچندگان از میزان مشارکت آن‌ها در تمامی سطوح اجرایی کانون‌ها است. اغلب کوچندگان این کانون‌ها بیان کرده‌اند که تنها در ارتباط با رضایتمندی و تمایل به اسکان از آن‌ها نظرخواهی شده است. در سایر موارد از جمله، مکان‌یابی کانون‌ها، پروژه‌های در نظر گرفته شده برای کانون‌ها، مباحث مربوط به اشتغال اسکان یافتگان و قوانین مربوط به ساخت و ساز در کانون‌ها به صورت متمرکز و از بالا به پایین عمل شده و از نقطه نظرات کوچندگان در این خصوص استفاده نشده است. در همین راستا، اکثر خانوارهای عشایری کانون هدایتی چلگرد بیان داشتند که به دلیل عدم نظرخواهی از کوچندگان جهت فضای مورد نیاز در این کانون، فضای اختصاصی جهت واحدهای مسکونی با ملزومات (انبار علوفه، طویله) حدود ۴۰۰ متر از سوی دولت در نظر گرفته شده است که فضای اختصاصی جهت نگهداری دام متناسب با نیاز خانوارها نیست.

روند شکل‌گیری کانون‌های توسعه حمایتی (خودجوش)

محلی که مردم عشایر متناسب با شرایط و بر اساس تشخیص و علاقه خود در آنجا اسکان یافته و مجتمع شده‌اند، تحت عنوان کانون‌های حمایتی شناخته می‌شوند. این مکان‌ها، سامان‌های ملکی یا عرفی عشایر هستند که سال‌های متمادی عشایر از آن به عنوان قشلاق، بیلاق یا میان‌بند از آن برای تعلیف دام یا کشاورزی بهره‌برداری می‌کرده‌اند (سازمان امور عشایر چهارمحال و بختیاری، ۱۳۹۰: ۱۴۸).

روند شکل‌گیری این کانون‌ها به گونه‌ای بوده که بنا بر عوامل مختلف دافعه کوچ و جاذبه اسکان، یکی از سامانه‌های عرفی عشایر واقع در منطقه بیلاقی، قشلاقی و یا میان‌بند بر اساس تجارب شخصی خود عشایر با در نظر گرفتن یکسری از پارامترهای مهم و حیاتی از قبیل داشتن منابع آبی، داشتن مراتع کافی به عنوان کانون اسکان انتخاب می‌گردید. خانوارهای عشایری به دلیل زمینه‌های مشترکی همچون داشتن زمین، ارتباطات خویشاوندی و غیره در این کانون‌ها اسکان پیدا می‌کردند. دامنه حضور دولت در این کانون‌ها به گونه‌ای است که عمدتاً نقش حمایتی دارند و عمده فعالیت‌ها با مشارکت مردم صورت می‌گیرد (سازمان امور عشایر ایران، ۱۳۹۲: ۱۱).

جدول ۱. میانگین رضایت‌مندی کوچندگان از گویه‌های مورد بحث در کانون‌های هدایتی

ملاحظات کانون‌ها	رتبه	میانگین کل	سطح زیربنا	میانگین	هزینه‌ها و مخارج زندگی	میانگین	مشارکت در مکان‌یابی کانون	میانگین	نحوی اسکان	میانگین	احساس آرامش و راحتی	میانگین	دسترسی به خدمات	میانگین	فرصت‌های شغلی ایجاد شده در کانون	میانگین	مکان‌یابی کانون	میانگین	سازگاری با همسایگان	میانگین	ماندگاری در کانون	میانگین	گویه‌ها
	۱	۳/۴۵	۲/۹	۲/۵	۳/۱	۴	۳/۸	۴/۷	۳/۶	۳/۴	۲/۵	۴	چلگرد										
	۳	۳/۱۶	۳/۷	۲/۹	۲/۸	۳/۶	۳/۳	۴/۱	۳/۱	۲/۳	۳	۲/۸	چبد										
	۲	۳/۱۸	۳/۸	۲/۷	۲/۹	۳/۳	۳/۵	۴	۳/۳	۲/۵	۲/۷	۳/۱	امیرآباد										

جدول ۲. بررسی آزمون تی-تک نمونه‌ای در میزان رضایت‌مندی کوچندگان از گویه‌های مورد بحث در کانون‌های هدایتی

ارزیابی شاخص	فاصله اطمینان ۰/۹۵		اختلاف میانگین	سطح معناداری (sig)	مقدار t	میانگین	گویه‌ها
	حد بالا	حد پایین					
مطلوب	۰/۵۲	۰/۰۵	۰/۲۹۲	۰/۰۱۵	۲/۴۶۶	۳/۳۰	رضایت از ماندگاری در کانون
نامطلوب	-/۰۵	-/۴۸	-/۲۶۰	۰/۰۰۰	-۲/۵۰۵	۲/۷۳	رضایت از سازگاری با همسایگان
نامطلوب	-/۰۵	-/۴۸	-/۲۶۰	۰/۰۰۰	-۲/۵۰۵	۲/۷۳	رضایت از مکان‌یابی کانون
مطلوب	۰/۵۸	۰/۷۸	۰/۳۶۸	۰/۰۰۲	۲/۷۱۳	۳/۳۳	رضایت از فرصت‌های شغلی ایجاد شده در کانون
مطلوب	۱/۴۰	۱/۱۱	۱/۲۶۰	۰/۰۰۰	۱۶/۸۷۶	۴/۲۶	رضایت از دسترسی به خدمات
مطلوب	۰/۸۳	۰/۲۶	۰/۵۵۲	۰/۰۰۰	۳/۸۵۶	۳/۵۳	رضایت از احساس آرامش و راحتی
مطلوب	۰/۸۶	۰/۴۲	۰/۶۴۲	۰/۰۰۰	۵/۷۶۵	۳/۶۳	رضایت از نحوی اسکان
نامطلوب	۰/۲۴	-/۳۵	-/۰۵۶	۰/۰۲۴	-/۳۷۷	۲/۹۳	رضایت از مشارکت در مکان‌یابی کانون
نامطلوب	-/۰۵	-/۵۴	-/۳۰۰	۰/۰۱۸	-۲/۳۹۹	۲/۷۰	رضایت از هزینه‌ها و مخارج

							زندگی
مطلوب	۰/۷۵	۰/۲۰	۰/۴۷۹	۰/۰۰۱	۳/۴۳۵	۳/۴۶	رضایت از سطح زیر بنا

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

و به تبع هزینه‌های مربوط به خوراک و پوشاک آن‌ها افزایش یافته و از طرف دیگر با رشد روزافزون مصرف‌گرایی ایجاد شده در کانون، هزینه‌های زیادی را برای خانوارها ایجاد کرده است. میزان این تغییرات به خصوص در کانون چلگرد به واسطه شهر شدن کانون، بیشتر از دو کانون دیگر؛ امیرآباد و چید است.

۲- هزینه‌های تأمین علوفه دام: یکی دیگر از هزینه‌های که باعث ایجاد نارضایتی از این نوع کانون‌ها (کانون‌های هدایتی) شده است؛ هزینه‌های مربوط به تأمین علوفه دام می‌باشد. تغییر نوع دام، از دام سبک (بز و گوسفند) به دام سنگین (گاو) در کانون‌های چلگرد و امیرآباد هزینه‌های را برای تأمین علوفه آن ایجاد کرده است. از طرف دیگر به دلیل تغییر کاربری‌ها و کمبود مراتع اطراف این کانون‌ها، در بخشی از سال (زمستان) تعلیف دام به صورت دستی انجام می‌گیرد که این عامل خود باعث بالا رفتن هزینه‌های مربوط به خانوار می‌شود.

۳- هزینه‌های پرداخت دستمزدها: از دیگر عوامل نارضایتی کوچندگان از کانون‌های هدایتی، بالا بودن هزینه‌های مربوط به پرداخت دستمزدها است. مشارکت، همکاری و همیاری در کانون‌های؛ چلگرد و چید کم است و بیشتر کارها با پرداخت دستمزد صورت می‌گیرد؛ دستمزدهای مربوط به ساخت و ساز خانوارها در کانون و همچنین دستمزدهای پرداختی در قبال انجام فعالیت‌های کشاورزی؛ کاشت، داشت و برداشت هزینه‌های زیادی را برای خانوارهای ساکن کانون ایجاد کرده است.

گویه دوم: میزان رضایتمندی از مکان‌یابی کانون: این گویه با میانگین ۲/۷۳ (چلگرد ۳/۴، امیرآباد ۲/۵ و چید ۲/۳) یکی دیگر از گویه‌هایی است که نارضایتی کوچندگان از کانون‌های هدایتی را نشان می‌دهد. دلایل عمده عدم استقبال و نارضایتی از مکان‌های انتخابی کانون‌ها به شرح زیر است.

۱- موقعیت استقرار کانون‌ها: کانون هدایتی امیرآباد، در فاصله ۱۵ کیلومتری مرکز بخش و مرکز شهرستان واقع شده است. اگر چه دسترسی مناسب به سایر نقاط و مراکز بالادست نشان از مکان‌یابی مناسب کانون است اما همین بُعد نزدیکی به مرکز شهرستان، باعث شده که خانوارهای ساکن در این کانون، بنا به دلایلی همچون پایین بودن میزان ریسک‌پذیری فعالیت،

نتایج حاکی از آزمون تی-تک نمونه‌ای (جدول ۲) بیانگر این واقعیت است که در کانون‌های هدایتی، میانگین‌های مربوط به ۶ گویه «میزان رضایتمندی از دسترسی به خدمات و امکانات» با میانگین ۴/۲۶، (چلگرد ۴/۷، چید ۴/۱ و امیرآباد ۴)، «میزان رضایتمندی از نحوی اسکان» با میانگین ۴/۶۳، (چلگرد ۴، چید ۳/۶ و امیرآباد ۳/۳)، «میزان رضایتمندی از احساس آرامش و راحتی» با میانگین ۳/۵۳، (چلگرد ۳/۸، امیرآباد ۳/۵ و چید ۳/۳)، «میزان رضایتمندی از سطح زیربنا» با میانگین ۴/۴۶، (امیرآباد ۳/۸، چید ۳/۷ و چلگرد ۲/۹)، «میزان رضایتمندی از فرصت‌های شغلی ایجاد شده در کانون» با میانگین ۳/۳۳، (چلگرد ۳/۶، امیرآباد ۳/۳ و چید ۳/۱)، «میزان رضایتمندی از ماندگاری در کانون» با میانگین ۳/۰، (چلگرد ۴، امیرآباد ۳/۱ و چید ۲/۸) بالاتر از حد متوسط ۳ ارزیابی شده‌اند که نشانه رضایتمندی کوچندگان از این گویه‌ها است. میانگین‌های ۴ گویه دیگر، «میزان رضایتمندی از هزینه‌ها و مخارج زندگی» با میانگین ۲/۷۰، (به ترتیب بالاترین میزان رضایتمندی، چید با میانگین ۲/۹، امیرآباد با میانگین ۲/۷ و چلگرد با میانگین ۲/۵)، میزان رضایتمندی از «مکان‌یابی کانون» با میانگین ۲/۷۳، (چلگرد ۳/۴، امیرآباد ۲/۵ و چید ۲/۳)، «میزان رضایتمندی از سازگاری با همسایگان» با میانگین ۲/۷۳، (چید ۳، امیرآباد ۲/۷ و چلگرد ۲/۵)، «میزان رضایتمندی از مشارکت در مکان‌یابی کانون» با میانگین ۲/۹۳ (چلگرد ۳/۱، امیرآباد ۲/۹ و چید ۲/۸) به ترتیب پایین‌تر از حد متوسط ۳ است. این بدان معنی است که عملکرد این گویه‌ها مورد رضایت کوچندگان نیست و از دید آنان ضعیف ارزیابی شده‌اند که در زیر علت آن را تحلیل خواهیم کرد.

گویه اول: میزان رضایتمندی از هزینه‌ها و مخارج زندگی: این گویه، پایین‌ترین میانگین ۲/۷۰ (چید با میانگین ۲/۹، امیرآباد با میانگین ۲/۷ و چلگرد با میانگین ۲/۵) را در بین گویه‌های مورد بررسی در میزان استقبال و رضایتمندی کوچندگان از کانون‌های هدایتی داشته است که مهم‌ترین دلایل آن عبارتند از:

۱- تغییر در سبک زندگی: اسکان در کانون‌های هدایتی باعث ایجاد تغییراتی در سبک و شیوه زندگی عشایری شده است. از یک طرف سطح انتظارات و توقعات خانوارها بالا رفته

و محصور بودن در کوه‌ها و عدم دسترسی و از طرف دیگر به دلیل وضعیت توپوگرافی و کمبود اراضی صاف و هموار، امکان رشد و توسعه چندانی ندارد. در نتیجه این عامل، انگیزه ماندگاری در این کانون‌ها کم بوده و سرمایه‌گذاری خاصی در قالب طرح‌ها و پروژه‌ها در این کانون‌ها ایجاد نشده است. کانون‌های هدایتی چلگرد و امیرآباد از لحاظ توپوگرافی دارای شرایط بهتری از کانون یاد شده می‌باشند و مساحت بیشتری جهت توسعه فیزیکی دارند. گرچه کانون امیر آباد از لحاظ وسعت اراضی هموار جهت گسترش فیزیکی، محدودیت کمتری نسبت به کانون توسعه چید دارد اما موقعیت نسبی کانون امیرآباد و نزدیکی آن با مرکز شهرستان (چلگرد) تا حدود زیادی توسعه کانون یادشده را محدود کرده است؛ چرا که عشایر اطراف کانون امیرآباد به دلیل موقعیت مرکزی شهر چلگرد و تنوع امکانات و خدمات در آن، استقبال بیشتری جهت اسکان در کانون چلگرد نسبت به کانون امیرآباد نشان می‌دهند. گویه‌سوم: میزان رضایتمندی از سازگاری با همسایگان: این گویه با میانگین $2/73$ (چید ۳، امیرآباد $2/7$ و چلگرد $2/5$) نشان‌دهنده عدم رضایتمندی کوچندگان از این گویه در کانون‌های هدایتی است. اگر چه در زمان ایجاد این کانون‌ها (کانون‌های هدایتی) مسائل فرهنگی و وابستگی‌های قومی و قبیله‌ای مد نظر بوده است، ساکنان هر کانون از یک طایفه خاص هستند اما تنش و درگیری بر سر مسائل مختلف در این کانون‌ها بالا بوده است. از عوامل مهم ایجاد تنش و درگیری در کانون‌های هدایتی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- بهره‌مندی از منابع محیطی کانون: مهم‌ترین عامل ایجاد تنش و درگیری در بین خانوارهای کانون‌های (چلگرد، چید و امیرآباد) درگیری بر سر استفاده از منابع آب، مراتع و جنگل‌ها می‌باشد. میزان درگیری بر سر این مسائل (استفاده از منابع محیطی) در کانون‌های امیرآباد و چلگرد بیشتر است. کانون چید به دلیل موقعیت قرارگیری (انزوای جغرافیایی) از تنش‌های کمتری در این زمینه برخوردار است.

۲- کمبود فضا جهت نگهداری دام: با توجه به اینکه سطح زیربنای خانوارهای ساکن در هر سه کانون به طور میانگین حدود ۴۰۰ متر است، اکثر خانوارها با مشکل کمبود فضا (انبار و طویله) جهت نگهداری دام مواجه هستند. از این رو، دام‌ها به دلیل کمبود فضا، در کانون‌ها رها شده و وارد اراضی زراعی و سایر عرصه‌های خصوصی خانوارهای دیگر می‌شوند که این عامل باعث ایجاد تنش در بین خانوارهای ساکن کانون شده است. تنش و درگیری بر سر این مسئله در کانون چلگرد به

بالا بودن ارزش زمین و دسترسی مناسب‌تر به خدمات، تمایل بیشتری جهت سرمایه‌گذاری در کانون چلگرد را داشته باشند. از این رو، توسعه کانون امیرآباد به دلیل عدم سرمایه‌گذاری و ایجاد فعالیت تولیدی، محدود شده است.

کانون هدایتی چید در غربی‌ترین نقطه شهرستان در نزدیکی مرز چهارمحال و بختیاری و خوزستان واقع شده است. اگر چه موقعیت نسبی آن (قرارگرفتن در محور مواصلاتی چهارمحال و بختیاری به خوزستان) تا حدودی باعث پویایی این کانون شده است اما وجود رودخانه کارون که در فاصله کمتر از یک کیلومتری این کانون عبور می‌کند، برای ساکنان کانون خطر آفرین بوده و در مواقع بحرانی تلفات مالی و جانی را به همراه داشته است. به علاوه، محصور بودن این کانون در میان رودخانه کارون و کوه‌های زاگرس امکان توسعه و گسترش این کانون را با محدودیت مواجه کرده است. بررسی موقعیت استقرار کانون نسبت به مراکز بالادست، نشان از موقعیت نامناسب کانون دارد، چرا که فاصله ۳۰ کیلومتری تا مرکز بخش و کیلومتری تا مرکز شهرستان و ۲۰۶ کیلومتری تا مرکز استان از موقعیت استقرار نامناسب کانون و عدم امکان دسترسی آسان به مراکز برتر را به خوبی نشان می‌دهد.

۲- عدم رعایت تعادل فضایی در ایجاد کانون‌ها: از مجموع ۵ کانون توسعه هدایتی ناحیه کوه‌رنگ، ۲ کانون (کانون امیرآباد و چلگرد) در بخش مرکزی و ۳ کانون (چید، مازه سوخته و شرمک) در بخش بازفت ایجاد شده است. این در حالی است که بخش دوآب صمصامی فاقد کانون توسعه هدایتی است. این عامل (عدم رعایت تعادل فضایی) باعث شده است که ۳ کانون چید، مازه سوخته و شرمک در فاصله کمتر از ۲۰ کیلومتری یکدیگر ایجاد شوند. با توجه به اینکه توزیع جمعیت در این کانون‌ها صورت گرفته است اما به دلیل پایین بودن تعداد خانوار در هر یک از کانون‌ها، امکان دستیابی به امکانات و خدماتی همچون مدرسه راهنمایی، مراکز بهداشتی، پاسگاه انتظامی را با مشکل مواجه کرده است.

لازم به ذکر است که تا فاصله ۱۰۰ کیلومتری، حد فاصل کانون مازه سوخته و کانون امیرآباد، هیچ کانون هدایتی شکل نگرفته است. در حالی که ۳ کانون چید، مازه سوخته و شرمک در فاصله کمتر از ۲۰ کیلومتری یکدیگر و همچنین ۲ کانون دیگر؛ امیرآباد و چلگرد در فاصله ۱۵ کیلومتری یکدیگر ایجاد شده‌اند.

۳- محدود بودن امکان توسعه و گسترش: کانون توسعه هدایتی چید در بخش بازفت، از یک طرف به دلیل احاطه شدن

اسکان عشایر ناحیه در نظر گرفته شده بود و به همین علت حساسیت بیشتری در خصوص اسکان عشایر در این کانون بود. از این‌رو، تنها در بحث مکان‌یابی کانون تا حدودی از نقطه نظرات کوچندگان استفاده شده است.

سنجش و تحلیل میزان استقبال و رضایتمندی کوچندگان از کانون‌های توسعه حمایتی

همانگونه که جدول ۳ نشان می‌دهد، میزان رضایتمندی کوچندگان از گویه‌های مورد بحث در کانون‌های حمایتی (خودجوش) مورد سنجش و بررسی قرار گرفته است. نتایج نشان می‌دهد که میزان رضایتمندی در کل کانون‌های نمونه برابر با ۳/۹۵ است. در بین کانون‌های مورد مطالعه، بیشترین میزان رضایتمندی به ترتیب مربوط به کانون‌های (دوآب صمصامی با میانگین کل ۴/۱۳، چمن گلی با میانگین ۴/۰۷، شیخ‌علیخان با میانگین ۳/۹۰، شهریار با میانگین ۳/۸۷ و دشت‌زرین با میانگین ۳/۸۰) است. در جدول ۴، میانگین مربوط به هریک از گویه‌ها در کل کانون‌های حمایتی با استفاده از آزمون تی-تک نمونه‌ای ارزیابی شده است؛ متناسب با این میانگین‌ها، میزان رضایتمندی کوچندگان به تفکیک کانون‌ها مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.

دلیل شهر شدن و کمبود فضا جهت نگهداری دام، بیشتر از کانون‌های امیرآباد و چید است.

۳- مسائل مربوط به ساخت و سازهای مسکونی: رها کردن فاضلاب‌های خانگی در کوچه و معابر، تصرف عدوانی زمین جهت ساخت مسکن، عدم رعایت حریم راه‌های فرعی و اصلی توسط خانوارها و... باعث ایجاد درگیری در بین خانوارهای ساکن در هر سه کانون هدایتی شده است.

گویه چهارم: میزان رضایتمندی از مشارکت در مکان‌یابی

کانون:

این گویه با میانگین ۲/۹۳ (چلگرد ۳/۱، امیرآباد ۲/۹ و چید ۲/۸)، یکی دیگر از گویه‌هایی است که نارضایتی کوچندگان از کانون‌های هدایتی را نشان می‌دهد. دلیل اصلی این نارضایتی همانطور که در بحث بررسی روند شکل‌گیری کانون‌های عشایری ناحیه گفته شد، دخالت ندادن کوچندگان، عدم نظر خواهی و مشورت با آن‌ها در زمینه مکان‌های انتخابی برای ایجاد کانون‌ها است. در بین کانون‌های هدایتی ناحیه، کوچندگان کانون چلگرد اظهار رضایتمندی بیشتری نسبت به دو کانون امیرآباد و چید داشته‌اند. دلیل اصلی این رضایتمندی به این خاطر است که کانون چلگرد به عنوان اولین کانون

جدول ۳. میانگین رضایتمندی کوچندگان از گویه‌های مورد بحث در کانون‌های حمایتی

ملاحظات کانون‌ها	میانگین کل	سطح زیربنا	هزینه‌ها و مخارج زندگی	مشارکت در مکان‌یابی کانون	نحوه اسکان	احساس آرامش و راحتی	دسترسی به خدمات	فرصت‌های شغلی ایجاد شده در کانون	مکان‌یابی کانون	سازگاری با همسایگان	ماندگاری در کانون	گویه‌ها
												کانون‌ها
	رتبه	میانگین	میانگین	میانگین	میانگین	میانگین	میانگین	میانگین	میانگین	میانگین	میانگین	چمن گلی
	۲	۴/۰۷	۴/۴	۲/۸	۴/۸	۴/۵	۴/۲	۴/۱	۳/۳	۴/۶	۳/۷	۴/۳
	۱	۴/۱۳	۴/۳	۲/۷	۴/۶	۴/۷	۴/۳	۴/۳	۳/۶	۴/۸	۳/۵	۴/۵
	۵	۳/۸۰	۴/۷	۳/۱	۴	۳/۹	۳/۸	۳/۴	۲/۸	۳/۹	۴/۸	۳/۶
	۳	۳/۹۰	۴/۵	۳	۴/۵	۴	۴	۳/۶	۳/۱	۳/۵	۴/۵	۴/۳
	۴	۳/۸۷	۴/۸	۲/۹	۴/۶	۳/۶	۳/۷	۳/۵	۳/۲	۴/۳	۴/۳	۳/۸

جدول ۴. بررسی آزمون t در میزان رضایت مندی کوچندگان از گویه های مورد بحث در کانون های حمایتی

ارزیابی شاخص	فاصله اطمینان ۰/۹۵		اختلاف میانگین	سطح معناداری (sig)	مقدار t	میانگین	گویه ها
	حد بالا	حد پایین					
مطلوب	۱/۲۵	۰/۹۶	۱/۱۰۹	۰/۰۰۰	۱۴/۷۴۸	۴/۱۰	رضایت از ماندگاری در کانون
مطلوب	۱/۳۰	۱/۰۳	۱/۱۶۷	۰/۰۰۰	۱۶/۷۷۷	۴/۱۶	رضایت از سازگاری با همسایگان
مطلوب	۱/۳۷	۱/۰۹	۱/۲۳۲	۰/۰۰۰	۱۷/۴۰۶	۴/۲۲	رضایت از مکان یابی کانون
مطلوب	۰/۵۲	۰/۱۳	۰/۲۸۴	۰/۰۰۲	۳/۱۲۵	۳/۲۰	رضایت از فرصت های شغلی ایجاد شده در کانون
مطلوب	۰/۹۴	۰/۶۳	۰/۷۹۳	۰/۰۰۰	۱۰/۱۶۸	۳/۷۸	رضایت از دسترسی به خدمات
مطلوب	۱/۲۰	۰/۸۸	۱/۰۴۵	۰/۰۰۰	۱۳/۰۶۸	۴	رضایت از احساس آرامش و راحتی
مطلوب	۱/۳۲	۰/۹۷	۱/۱۴۸	۰/۰۰۰	۱۳/۰۲۴	۴/۱۴	رضایت از نحوی اسکان
مطلوب	۱/۶۴	۱/۳۸	۱/۵۱۶	۰/۰۰۰	۲۳/۵۷۷	۴/۵۰	رضایت از مشارکت در مکان یابی کانون
نامطلوب	۰/۲۳	-/۳۴	-/۴۷۶	۰/۰۲۸	-/۳۵۴	۲/۹۰	رضایت از هزینه ها و مخارج زندگی
مطلوب	۱/۶۶	۱/۴۴	۱/۵۵۴	۰/۰۰۰	۲۷/۱۵۰	۴/۵۴	رضایت از سطح زیر بنا

منبع: یافته های پژوهش، ۱۳۹۹

رضایتمندی از ماندگاری در کانون» با میانگین ۴/۱۰ (دو آب صمصامی ۴/۵، چمن گلی ۴/۳، شیخ علیخان ۴/۳، شهریار ۳/۸ و دشت زریں ۳/۶)، «میزان رضایتمندی از دسترسی به خدمات» با میانگین ۳/۷۸ (دو آب صمصامی ۴/۳، چمن گلی ۴/۱، شیخ علیخان ۳/۶، شهریار ۳/۵ و دشت زریں ۳/۴)، «میزان رضایتمندی از فرصت های شغلی ایجاد شده در کانون» با میانگین ۳/۲۰ (دو آب صمصامی ۳/۶، چمن گلی ۳/۳، شهریار ۳/۲، شیخ علیخان ۳/۱ و دشت زریں ۲/۸) به ترتیب بیشترین میزان رضایتمندی را داشته اند و میانگین های مربوط به آنها بالاتر از حد متوسط ۳ ارزیابی شده است. تنها گویه ای که کمتر از حد وسط ارزیابی شده است گویه «میزان رضایتمندی از هزینه ها و مخارج زندگی» با میانگین ۲/۹۰ می باشد. بالاترین میزان رضایتمندی در این گویه به ترتیب مربوط به کانون های، دشت زریں ۳/۱، شیخ علیخان ۳، شهریار ۲/۹، چمن گلی ۲/۸ و دو آب صمصامی ۲/۷ است. میانگین مربوط به این گویه در کانون های حمایتی نشان می دهد که در دو کانون؛ دو آب صمصامی و چمن گلی، میزان رضایتمندی نسبت به سایر کانون ها کمتر بوده است که از دلایل اصلی آن شهرنشینی و اثرات زندگی شهری در این کانون هاست.

نتایج حاکی از آزمون تی-تک نمونه ای در جدول ۴، گویای این واقعیت است که میانگین های مربوط به ۹ گویه در کانون های حمایتی از دید کوچندگان بالاتر از حد متوسط ۳ ارزیابی شده است که نشان از رضایتمندی کوچندگان از این گویه ها است. در بین گویه های مورد بحث، گویه های «میزان رضایتمندی از سطح زیر بنا» با میانگین ۴/۵۴ (به ترتیب بالاترین میزان رضایتمندی، شهریار با میانگین ۴/۸، دشت زریں با میانگین ۴/۷، شیخ علیخان با میانگین ۴/۵، چمن گلی با میانگین ۴/۴ و دو آب صمصامی با میانگین ۴/۳)، «میزان رضایتمندی از مشارکت در مکان یابی کانون» با میانگین ۴/۵۰ (چمن گلی ۴/۸، شهریار ۴/۶، دو آب صمصامی ۴/۶، شیخ علیخان ۴/۵ و دشت زریں ۴)، «میزان رضایتمندی از مکان یابی کانون» با میانگین ۴/۲۲ (دو آب صمصامی ۴/۸، چمن گلی ۴/۶، شهریار ۴/۳، دشت زریں ۳/۹ و شیخ علیخان ۳/۵)، «میزان رضایتمندی از سازگاری با همسایگان» با میانگین ۴/۱۶ (دشت زریں ۴/۸، شیخ علیخان ۴/۵، شهریار ۴/۳، چمن گلی ۳/۷ و دو آب صمصامی ۳/۵)، «میزان رضایتمندی از نحوی اسکان» با میانگین ۴/۱۴ (دو آب صمصامی ۴/۷، چمن گلی ۴/۵، شیخ علیخان ۴، دشت زریں ۳/۹ و شهریار ۳/۶)، «میزان

بحث و نتیجه‌گیری

چشم و هم چشمی‌های ایجاد شده در کانون‌ها، بالا رفتن سطح توقعات، تغییر نوع دام از سبک (بز و گوسفند) به سنگین (گاو) و به تبع افزایش هزینه‌های آن، هزینه‌های مربوط به تأمین علوفه دستی در بخشی از سال و هزینه مربوط به پرداخت دستمزدها از جمله دلایلی هستند که باعث افزایش هزینه‌های مربوط به خانوارها شده و نارضایتی کوچندگان را به همراه داشته است. در ارتباط با نتیجه پژوهش و تطبیق آن با سایر پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه می‌توان گفت که اکثر پژوهش‌های که در زمینه اسکان عشایر صورت گرفته است تنها به بررسی اثرات اجتماعی، اقتصادی اسکان به صورت موردی و نه تطبیقی، پرداخته‌اند. به علاوه، گویه‌ها و شاخص‌های مورد سنجش در ارتباط با روند شکل‌گیری کانون‌های اسکان طراحی نشده‌اند. در این پژوهش سعی بر آن بوده است تا متناسب با روند شکل‌گیری کانون‌ها، شاخص‌ها و گویه‌های جدید طرح شود. از این‌رو، این پژوهش از این نظر دارای نوآوری است. یافته‌های پژوهش در بعد اقتصادی (ایجاد فرصت‌های شغلی) با یافته‌های (تهیم ۱۹۷۹)، اسماعیلیان مقدم و دیگران (۱۳۹۳)، شاطری و دیگران (۱۳۹۱)، باژیان و دیگران (۱۳۸۵) همسویی دارد. همچنین در بعد اجتماعی (دسترسی به خدمات و امکانات) نیز با یافته‌های کرمی و دریکوند (۱۳۹۵)، ریاحی و دیگران (۱۳۹۲)، شاطری و حجتی‌پور (۱۳۹۰) مطابقت کامل دارد.

منابع

اسماعیلیان مقدم، علی، فال‌سلیمان، محمود، شریفی، امیر (۱۳۹۳). بررسی تاثیرات اقتصادی - اجتماعی طرح تجمع و اسکان عشایر، مطالعه موردی: کانون توسعه عشایری دشت حسین‌آباد غیناب. فصلنامه پژوهشی بوم‌شناسی شهری، ۲(۴)، ۲۱-۳۰.

توکلی، جعفر (۱۳۸۳). مروری بر نظریات و تجارب موجود در زمینه اسکان. مجموعه مقالات همایش ملی ساماندهی جامعه عشایر ایران (۴۶۸-۴۳۷)، سازمان امور عشایر ایران، تهران.

باژیان، غلامرضا، داهلان، اسماعیل، مهرابی، علی‌اکبر، محمدشاه، وحید (۱۳۸۵). مقایسه اقتصادی کوچ و اسکان در دشت بکان استان فارس. فصلنامه تحقیقات مرتع و بیابان ایران، ۱۳(۳)، ۲۶۴-۲۴۸.

حسینی‌ابری، سیدحسن (۱۳۷۳). مروری بر منطقه کوه‌رنگ در رابطه با اسکان عشایر. فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، ۳۵، ۶۲-۷۵.

اسکان عشایر از زمان پهلوی اول به دلایل سیاسی و امنیتی و در دوران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به دلیل خدمات‌رسانی به جامعه عشایر و بالا بردن سطح زندگی آن‌ها مطرح بوده است. از سال ۱۳۷۱ اسکان عشایر صورت جدی‌تری به خود گرفته است، به طوری که از برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۳۷۸-۱۳۷۴) تا کنون، اسکان عشایر به عنوان مهم‌ترین سیاست ساماندهی جامعه عشایر در نظر گرفته شده است. در راستای اجرای این سیاست، کانون‌های هدایتی و حمایتی متعددی در نقاط مختلف جهت اسکان عشایر ایجاد شده است. در همین راستا، ۱۳ کانون توسعه عشایری (هدایتی و حمایتی) با روندهای متفاوت در ناحیه کوه‌رنگ شکل گرفته است. مطالعه روند شکل‌گیری کانون‌های ناحیه نشان‌دهنده تفاوت در میزان مشارکت و نقش مردم در شکل‌گیری هر یک از این کانون‌ها (هدایتی و حمایتی) است. نتایج پژوهش نشان داد در کانون‌های هدایتی ناحیه کوه‌رنگ میزان مشارکت مردم در ایجاد کانون‌ها بسیار ضعیف‌تر از کانون‌های حمایتی و از دیگر نتایج به دست آمده تفاوت در میزان رضایتمندی و استقبال کوچندگان از کانون‌های عشایری است. به طور کلی میزان رضایتمندی کوچندگان از کانون‌های حمایتی با میانگین ۳/۹۵ (دوآب صمصامی با میانگین کل ۴/۱۳، چمن‌گلی با میانگین ۴/۰۷، شیخ‌علیخان با میانگین ۳/۹۰، شهریار با میانگین ۳/۸۷ و دشت‌زرین با میانگین ۳/۸۰) بیشتر از کانون‌های هدایتی با میانگین ۳/۲۶ (چلگرد با میانگین ۳/۴۵، بالاتر از میانگین کل، امیرآباد با میانگین ۳/۱۸ و چید با میانگین ۳/۱۶) ارزیابی شده است. نکته قابل ملاحظه در این ارزیابی این است که در هر دو نوع کانون (هدایتی و حمایتی) بیشترین میزان رضایتمندی و استقبال کوچندگان مربوط به کانون‌هایی است که به شهر تبدیل شده‌اند. در بین کانون‌های حمایتی، به ترتیب کانون‌های دوآب صمصامی و چمن‌گلی بیشترین میزان رضایتمندی را داشته‌اند که در حال حاضر دو نقطه شهری هستند. در بین کانون‌های هدایتی نیز بیشترین میزان رضایتمندی مربوط به کانون چلگرد است که امروزه به عنوان مرکز شهرستان کوه‌رنگ شناخته می‌شود. برخورداری بیشتر این کانون‌ها از خدمات و امکانات، دلیل عمده رضایتمندی و استقبال کوچندگان شناخته می‌شود. از دیگر نکات مشترک و قابل توجه در این پژوهش عدم رضایتمندی کوچندگان از هزینه‌ها و مخارج زندگی در هر دو نوع کانون (هدایتی و حمایتی) است. میزان رضایتمندی کوچندگان از این گویه در هر دو نوع کانون کمتر از حد وسط ۳ ارزیابی شده است.

- حیاتی، داریوش (۱۳۸۵). تحلیلی بر پیامدها و راهکارهای گزیده شده اسکان عشایر در ایران با نگرش تجربه دشت بکان فارس. *مجله مطالعات اجتماعی ایران*، ۱(۱)، ۶۷-۹۹.
- دفتر مطالعات جامع عشایر و رضایی (۱۳۹۱). ارزیابی برنامه‌های ساماندهی عشایر در کانون‌های توسعه. *فصلنامه ذخایر انقلاب*، ۲(۵۷)، ۳۹-۹.
- ریاحی، وحید، احمدی، راشد، عزمی، آئیژ (۱۳۹۲). بررسی نقش اسکان در طرح‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی عشایر، مطالعه موردی: کانون‌های اسکان کهگیلویه و بویر احمد. *فصلنامه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی*، ۱۳(۲۸)، ۹۵-۱۱۲.
- سازمان امور عشایر ایران (۱۳۹۳). آیین‌نامه ساماندهی عشایر و مصوبات شورای عالی عشایر در سال ۸۹-۱۳۸۸، تهران: انتشارات آیندگان.
- سازمان امورعشایر ایران (۱۳۹۲). گزارش تلفیق برنامه راهبردی ساماندهی جامعه عشایر کوچنده کشور، تهران.
- سازمان امور عشایر استان چهارمحال و بختیاری (۱۳۹۰). طرح مطالعات ارزیابی برنامه ساماندهی اسکان عشایر در کانون‌های توسعه، مهندسین مشاور شرق آیند، شهرکرد.
- سازمان امور عشایر ایران (۱۳۸۹). پیش‌نویس برنامه پنجم توسعه. دفتر طرح و برنامه‌ریزی، تهران.
- سازمان امور عشایر ایران (۱۳۷۵). نگرشی بر برنامه توسعه جامع مناطق عشایری (تاریخچه و فعالیت)، معاونت توسعه و عمران، تهران.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان چهارمحال و بختیاری (۱۳۹۴). گزارش اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی استان چهارمحال و بختیاری ۱۳۹۴-۱۳۹۳، شهرکرد.
- سعیدی، عباس (۱۳۹۱). پویای ساختاری- کارکردی: رویکردی بدیل در برنامه‌ریزی فضایی. *فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی*، ۱(۱)، ۱-۱۸.
- سعیدی، عباس (۱۳۷۷). توسعه پایدار و ناپایداری توسعه روستایی. *فصلنامه مسکن و انقلاب*، ۲(۸۲)، ۲۲-۱۷.
- سعیدی، عباس، جندقیان بیدگلی، سعیدرضا، محبی، علی‌اکبر (۱۳۹۴). واری پویای ساختاری- کارکردی در مطالعات منطقه‌ای، مورد: مطالعه تطبیقی نواحی آران- بیدگل (کاشان) و راز- جرگان (بجنورد). *فصلنامه علمی-پژوهشی و بین‌المللی انجمن جغرافیای ایران*، ۱۳(۴۴)، ۲۳-۷.
- سعیدی، عباس، طالب، مهدی و صفی‌نژاد، جواد (۱۳۷۳). طرح ساماندهی روستاهای پراکنده- استقرار بهینه روستاهای
- کهگیلویه و بویر احمد. *بخش‌های بهمئی و لنده*، جلد اول تا چهارم. تهران: دفتر مطالعات و برنامه ریزی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی.
- شاطری، مفید، صادقی، حجت‌الله (۱۳۹۱). واکاوی اثرات اقتصادی- اجتماعی اسکان خودجوش عشایر، مطالعه موردی: عشایر بخش دهدز شهرستان ایذه. *مجله علمی- تخصصی برنامه‌ریزی فضایی*، ۲(۲)، ۱۰۵-۱۲۸.
- شاطری، مفید، حجی‌پور، محمد (۱۳۹۰). اثرات اقتصادی- اجتماعی طرح‌های اسکان بر جوامع عشایری، مطالعه موردی: شهرک نازدشت سرپیشه در استان خراسان جنوبی. *فصلنامه علمی- پژوهشی جغرافیای انسانی*، ۳(۲)، ۲۹-۱۷.
- کرمی، حمیدرضا، دریکوندی، فیروز (۱۳۹۵). بررسی اثرات اقتصادی- اجتماعی اسکان عشایر بر خانوارهای اسکان یافته در استان لرستان. *فصلنامه روستا و توسعه*، ۱۹(۳)، ۲۴-۱.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۵). *سرشماری عمومی نفوس و مسکن، شهرستان کوهرنگ*. تهران: مرکز آمار ایران.
- نوروزی، اصغر، محمودیان، فرزاد (۱۳۹۴). بررسی تطبیقی شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی عشایر اسکان‌یافته و اسکان‌نیافته، مطالعه موردی: شهرستان کوهرنگ. *فصلنامه علمی- پژوهشی برنامه‌ریزی فضایی (جغرافیا)*، ۵(۴)، ۳۸-۱۷.
- Ogaboh, O. A. Ak panudoedehe. J. J. & Ushie. E. M. (2010). Socio-Economic and Cultural Impacts of Resettlement on Bakassi People of Cross River State, Nigeria. *Studies in Sociology of Science*, 1(2), 50-62.
- Larsen. K. & Hassan. M (2003). Sedentarisation of Nomadic People: The Case of the Hawawir in Um Jawasir, Northern Sudan. Drylands Coordination Group.
- Thimm, H. U. (1979). *Development project in the Sudan*, The United Nations University. Tokyo.
- Vassa, S. (2001). Sedentarization of pastoral nomads. Available on: <http://www.htm.nomads vassa.net/saloni/>.